



Research Article

Model of Internet Infidelity in Working Married Women: The Role of Authoritarianism, Individualism and Conscientiousness with the Mediation of Emotional Divorce

Camellia Ahmadi¹ , Ali Zeinali^{2*}

¹ MSc in Clinical Psychology, Ur.c., Islamic Azad University, Urmia, Iran

² Associate Professor, Department of Psychology, Khoy.c., Islamic Azad University, Khoy, Iran

* **Corresponding author:** Ali Zeinali, Department of Psychology, Khoy.c., Islamic Azad University, Khoy, Iran. Email: ali.zeinali@iau.ac.ir

DOI: [10.61882/jams.28.5.403](https://doi.org/10.61882/jams.28.5.403)

How to Cite this Article:

Ahmadi C, Zeinali A. Model of Internet Infidelity in Working Married Women: The Role of Authoritarianism, Individualism and Conscientiousness with the Mediation of Emotional Divorce. *J Arak Uni Med Sci.* 2025;28(5): 403-10. DOI: 10.61882/jams.28.5.403

Received: 08.12.2024

Accepted: 01.12.2025

Keywords:

Independenc;
Power-seeking;
Conscientiousness;
Internet infidelity

© 2024 Arak University of Medical Sciences

Abstract

Introduction: Internet infidelity is one of the most significant threats to family cohesion in recent years. Identifying the factors associated with marital infidelity is crucial as it can help reduce the risk of family breakdown. The aim of this study was to examine the role of power-seeking, independence, and conscientiousness in predicting internet infidelity among employed married women.

Methods: This study was conducted using Structural Equation Modeling (SEM). The research design was descriptive-correlational, and the statistical population comprised all employed married women working in offices, healthcare centers, and educational institutions in Urmia County during the years 2023-2024. The sample size was determined to be 250 participants, selected through purposive random sampling. Specifically, among the employed married women, those who met the inclusion criteria (such as formal or contractual employment and frequent internet use) were randomly chosen from the pool of volunteers. The research instruments included questionnaires measuring power-seeking, independence, conscientiousness, and internet infidelity.

Results: Data were analyzed using structural equation modeling assistance. Evaluation of the hypothetical model using fit indices indicated that the hypothetical model fit well with the measurement model. The results showed that power-seeking and independence had a positive and significant relationship with internet infidelity, while conscientiousness had a negative impact on this phenomenon. Notably, power-seeking was identified as a stronger predictor of internet infidelity with a beta coefficient of 0.16.

Conclusions: The findings indicated that power-seeking and independence could be suitable predictors of internet infidelity among employed married women, serving as valid indicators for identifying this phenomenon.

مدل خیانت اینترنتی در زنان متأهل شاغل: نقش قدرت طلبی، استقلال خواهی و وظیفه‌شناسی با میانجی‌گری طلاق عاطفی

کاملیا احمدی^۱، علی زینالی^۲ ID*

^۱ کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

^۲ دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

* نویسنده مسئول: علی زینالی، گروه روان‌شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. ایمیل: ali.zeinali@iau.ac.ir

DOI: 10.61882/jams.28.5.403

چکیده مقدمه: خیانت اینترنتی، یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که در سال‌های اخیر انسجام خانواده‌ها را تهدید می‌کند. شناسایی و عوامل مرتبط با خیانت زناشویی اهمیت بسزایی دارد چراکه می‌تواند خطر فروپاشی خانواده را کاهش دهد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی و وظیفه‌شناسی در پیش‌بینی خیانت اینترنتی در زنان متأهل شاغل بود. روش کار: این مطالعه با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شده است. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بوده و جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل شاغل در ادارات، مراکز درمانی، و مراکز آموزشی شهر ارومیه در سال ۱۴۰۳ بود. حجم نمونه ۲۵۰ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری به روش غیرتصادفی هدفمند انجام گردید. به این صورت که از میان زنان شاغل، زنان متأهلی که از اینترنت (شبکه‌ها و رسانه‌ها) استفاده می‌کردند، انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی، وظیفه‌شناسی و خیانت اینترنتی بود. یافته‌ها: داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ارزیابی مدل فرضی پژوهش با استفاده از شاخص‌های برازندگی نشان داد که مدل فرضی با مدل اندازه‌گیری برازش دارد. نتایج نشان داد که قدرت‌طلبی و استقلال‌خواهی با خیانت اینترنتی رابطه مثبت و معناداری دارند، در حالی که وظیفه‌شناسی تأثیر منفی بر این پدیده دارد. به‌ویژه، قدرت‌طلبی با ضریب بتای $\beta = 0.16$ به‌عنوان پیش‌بین قوی‌تری برای خیانت اینترنتی شناسایی شد. نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان دادند که قدرت‌طلبی و استقلال‌خواهی، می‌توانند پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای خیانت اینترنتی در زنان متأهل شاغل باشند و به عنوان شاخص‌های معتبر در شناسایی این پدیده کاربرد داشته باشند.	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ واژگان کلیدی: استقلال‌خواهی؛ قدرت‌طلبی؛ وظیفه‌شناسی؛ خیانت اینترنتی تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی اراک محفوظ است.
ارجاع: احمدی کاملیا، زینالی علی. مدل خیانت اینترنتی در زنان متأهل شاغل: نقش قدرت طلبی، استقلال خواهی و وظیفه‌شناسی با میانجی‌گری طلاق عاطفی. مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک ۱۴۰۴، ۲۸ (۵): ۴۰۳-۴۱۰.	

مقدمه

خیانت (Infidelity)، یکی از تکان‌دهنده‌ترین پدیده‌ها در روابط زوجین و از رایج‌ترین دلایل مراجعه به زوج‌درمانگران است (۱). خیانت زناشویی (Marital Infidelity) به عنوان تعدی از مرزهای یک رابطه زناشویی و با ایجاد صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه تعریف می‌شود (۲). در ابتدا خیانت تنها به روابط جنسی محدود می‌شد، اما با گذر زمان، صمیمیت‌های (Intimacy) عاطفی نیز در زمره خیانت قرار گرفتند (۳). با پیشرفت فناوری، خیانت در شکل سنتی خود باقی نماند و به اشکال دیگری مانند خیانت اینترنتی (Internet Infidelity) گسترش یافت (۱). زنان شاغل، به دلیل حضور در محیط‌های کاری و ارتباطات آنلاین گسترده‌تر، در معرض بالاتری از این نوع خیانت قرار دارند. فناوری‌های نوین نه تنها ابزارهای شغلی را گسترش داده‌اند، بلکه فضاهایی برای انحرافات رفتاری در محیط‌های حرفه‌ای ایجاد کرده‌اند (۴). در همین

راستا، پژوهشی نشان می‌دهد که زنان با جایگاه شغلی پایین‌تر، تمایل بیشتری به روابط فرازناشویی دارند (۳) و اینترنت به‌عنوان بستری منحصر به فرد برای تعاملات جنسی و عاطفی، زمینه‌ساز رفتارهایی تلقی می‌شود که در چارچوب روابط زناشویی تعهدآمیز، خیانت محسوب می‌شوند (۵). شواهد حاکی از آن است که ۹۵/۳ درصد افراد نوعی از فعالیت جنسی آنلاین را تجربه کرده‌اند که در زنان ۹۷/۱ درصد و در مردان ۸۶/۲ درصد گزارش شده است (۶).

خیانت‌های اینترنتی با پیامدهایی چون افزایش گرایش به طلاق (۷)، اعتیاد به اینترنت (۲)، عدم رضایت زناشویی و طلاق عاطفی (۸) نارضایتی‌های جنسی و عاطفی، ویژگی‌های ناسازگار شخصیتی (۹) همراه هستند. در این میان، ویژگی‌های شخصیتی (Personality Traits) نقش مهمی در بروز چنین رفتارهایی ایفا می‌کنند (۱۰). به‌طور کلی، شخصیت فردگرا موجب می‌شود که شخص به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کند و

روش کار

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی بود. داده‌ها از طریق پرسشنامه در تابستان ۱۴۰۳ بدست آمد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل شاغل در ادارات مختلفی مانند اداره آموزش و پرورش، تأمین اجتماعی، مرکز بهداشت و درمان، بیمارستان‌ها و شرکت‌های خصوصی در شهر ارومیه بود که مطابق ملاک‌های ورود به مطالعه، دارای مدرک کارشناسی بوده و حداقل ۵ سال از زندگی مشترک آنان باید می‌گذشت. حجم نمونه در مطالعات مدل‌یابی علی، بر اساس نظر Kline (۲۰۱۱) حداقل ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر کفایت می‌کند. همچنین، با در نظر گرفتن حداقل حجم نمونه لازم هنگامی که متغیرهای مشهود مدل بین ۱۰ تا ۱۵ متغیر باشد، حجم نمونه باید بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر باشد (۲۲). لذا ۲۵۰ نفر از زنان متأهل شاغل به عنوان نمونه در مطالعه شرکت کردند. نمونه‌گیری به روش غیر تصادفی هدفمند براساس زنان متأهل ادارات شهر ارومیه با در نظر گرفتن حداقل مدرک کارشناسی و ۵ سال زندگی مشترک، انجام شد.

پرسشنامه خیانت اینترنتی (Internet Infidelity Questionnaire)

این ابزار یک مقیاس ۴۳ ماده‌ای است که توسط Alge در سال ۲۰۰۹ ساخته شده است (۲۳). این پرسشنامه میزان نگرش افراد را نسبت به رفتارهای اینترنتی شریک زندگی‌شان روی یک مقیاس لیکرت ۶ نمره‌ای از هرگز تا همیشه (نمره ۱ تا ۶) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره بین ۴۳-۲۵۸ است. این مقیاس از سه مؤلفه اصلی تشکیل شده است که عبارتند از: فعالیت‌های دوست‌تانه، فعالیت‌های عاطفی و فعالیت‌های جنسی. روایی سازه و همزمان توسط سازندگان تأیید شده و پایایی به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۸۹ تا ۰/۹۵ به دست آمده است. روایی سازه تأیید شده و پایایی نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمده است (۲۳).

مقیاس قدرت طلبی (Power-Seeking Scale)

مقیاس قدرت‌طلبی مقیاسی ۱۰ سؤالی است که توسط Christie و Geis ساخته شده است (۲۵). نمره‌گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «تأیید می‌کنم»، «بی‌نظم»، «تأیید می‌کنم» و «کاملاً موافقم» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می‌شود. گویه‌های شماره ۲، ۶، ۷ و ۸ بصورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، امتیاز تمامی گویه‌ها با همدیگر جمع می‌شوند. روایی این پرسشنامه را مطلوب گزارش کرده و پایایی آن را طبق آلفای کرونباخ بالای ۰/۹۰ ذکر شده است (۱۷).

پرسشنامه صفات شخصیتی نئو (Neo Personality Traits)

این پرسشنامه توسط Costa و McCrae در سال ۱۹۹۲ تهیه گردیده است (۲۶). پرسشنامه مذکور دارای پنج مؤلفه است و جمعاً دارای ۶۰ سؤال است و ۵ بعد روان‌رنجوری، برونگرایی، تجربه‌گرایی و توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی که هر بعد ۱۲ سؤال دارد. پاسخ‌گویان هر یک از این سؤال‌ها را بر مبنای یک مقیاس ۵ قسمتی (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) درجه‌بندی می‌کند. برای هر عبارت پرسشنامه یک

تجربیات جدید را پذیرا باشد. یکی از عواملی که در خیانت‌های زناشویی نقش مهمی دارد، ویژگی‌های شخصیتی است (۱۱، ۱۲). همچنین تفاوت‌های فردی در شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی با احتمال وقوع خیانت زوجین ارتباط معناداری دارد (۱۳). برای مثال، ویژگی قدرت‌طلبی (Authoritarianism) که به تمایل به کنترل و نفوذ در رابطه اشاره دارد، با خیانت مرتبط دانسته شده است (۱۴). در بررسی خیانت زناشویی شاغلین مشخص شد که ویژگی شخصیتی قدرت‌طلبی شاغلین بر خیانت زناشویی آنان تأثیر می‌گذارد (۱۲). همچنین این ویژگی شخصیتی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی طلاق عاطفی نیز مطرح شده است (۱۵، ۱۶).

بهادری و همکاران نیز به این نتیجه رسیدند که ساختار قدرت و قدرت‌طلبی در خانواده با تعارضات زناشویی رابطه معنی‌داری دارد (۱۷). از سوی دیگر، استقلال‌خواهی (Individualism)، که بر اولویت منافع فردی و استقلال فکری و مالی تأکید دارد، با گرایش به روابط فرازناشویی مرتبط است (۱۸، ۱۹). سازه استقلال‌خواهی/فردگرایی، با تأکید بر اتکای به خود (استقلال) مشخص می‌شود. فردگرایان اعمال اهداف و خواسته‌های شخصی را ترویج می‌کنند و بنابراین برای استقلال و اتکای به خود در زمینه‌های خانوادگی، زندگی مستقل، فکری، کاری، مالی و استقلال عاطفی ارزش قائل می‌شوند و از این دفاع می‌کنند که منافع فرد باید نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی در اولویت باشد. همچنین آن‌ها فعالیت‌های فردی را بر پیوندهای جمعی و خانوادگی ترجیح می‌دهند (۲۰). اینترنت می‌تواند این ویژگی را تشدید کرده و از طریق ایجاد نگرش‌های ناکارآمد، زمینه‌ساز تعارضات زناشویی و کاهش کیفیت رابطه شود (۲۱).

در نقطه‌ی مقابل، وظیفه‌شناسی (Conscientiousness)، به‌عنوان مؤلفه‌ای از شخصیت که شامل نظم، تعهد و مسئولیت‌پذیری است (۲۲). نقش محافظتی در برابر خیانت دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که سطوح پایین وظیفه‌شناسی با احتمال بالاتر خیانت زناشویی همراه است (۲۲). در همین راستا، پژوهش‌هایی نیز نشان داده‌اند که وظیفه‌شناسی پایین می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در بروز خیانت باشد (۲۳، ۲۴). همچنین فضای مجازی می‌تواند از طریق تأثیر بر صفات شخصیتی از جمله وظیفه‌شناسی، زمینه‌ساز خیانت‌های زناشویی شود (۲۵).

از طرف دیگر، طلاق عاطفی (Emotional Divorce) که در آن ساختار خانواده حفظ می‌شود اما رابطه عاطفی زوجین از بین رفته است، می‌تواند به‌عنوان متغیر میانجی بین صفات شخصیتی و خیانت زناشویی عمل کند (۲۶، ۲۷). فضای مجازی، با تصویرسازی از دنیای ایده‌آل و ایجاد احساس نارضایتی از واقعیت زندگی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز چنین شکاف‌های عاطفی شود (۲۸، ۲۵). در نهایت، شواهد متعددی نشان داده‌اند که اعتیاد به اینترنت، خشونت خانگی و گرایش به خیانت‌های زناشویی از طریق متغیرهایی چون نگرش ناکارآمد و طلاق عاطفی قابل تبیین‌اند (۲۱، ۲۸).

بنابراین با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی ویژگی‌های شخصیتی و طلاق عاطفی در خیانت اینترنتی در زنان متأهل شاغل، این پژوهش به دنبال تبیین رابطه‌ی قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی و وظیفه‌شناسی با خیانت اینترنتی از مسیر طلاق عاطفی است؛ مدلی که می‌تواند هم دیدگاه نظری را گسترش دهد و هم در طراحی مداخلات کاربردی مؤثر واقع شود.

درصد دارای مدرک دکتری بودند. همچنین، بیشتر افراد شرکت کننده در پژوهش ۴۲ نفر و ۱۶/۹ درصد شغل معلمی داشتند. در جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش، ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
استقلال‌خواهی	۲۸/۶۱	۶/۳۶	۰/۳۶۶	-۰/۵۰۷
وظیفه‌شناسی	۳۴/۰۱	۸/۱۶	۰/۳۹۵	-۰/۹۵۹
قدرت‌طلبی	۲۹/۱۸	۷/۰۱	۰/۷۱۶	۰/۹۱۲
طلاق عاطفی	۸/۵۹	۷/۰۱	۰/۳۵۸	-۰/۷۴۳
خیانت اینترنتی	۹۶/۳۵	۴۲/۱۳	۰/۲۰۹	-۰/۳۱۵

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، هیچ یک از متغیرهای پژوهش انحراف جدی از توزیع بهنجار ندارند و کجی توزیع نمره‌ها در دامنه ۲ و -۲ و کشیدگی در دامنه ۳ و -۳ قرار دارد. بنابراین می‌توان توزیع داده‌ها را بهنجار فرض کرد. برای بررسی نرمال بودن چندمتغیره از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا (Mardia's Normalized Multivariate Kurtosis) استفاده شد؛ برای اینکه توزیع چندمتغیری داده‌ها نرمال باشد، باید ضریب مردیا کمتر از عدد حاصل از فرمول $p(p+2)$ باشد که در این فرمول P مساوی است با تعداد متغیرهای مشاهده شده است. تعداد متغیرهای مشاهده شده مدل آزمون شده پژوهش ۵ می‌باشد. بنابراین عدد حاصل از فرمول ۳۵ می‌باشد. ضریب مردیا نیز در پژوهش حاضر ۱/۲۵- بدست آمد که کمتر عدد ۳۵ می‌باشد. بنابراین توزیع چندمتغیری داده‌ها نرمال است. برای شناسایی داده‌های پرت تک متغیری از جداول فراوانی استفاده شد که داده پرتی شناسایی نشد. در جدول ۲، ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

شماره	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱	استقلال‌خواهی	۱				
۲	وظیفه‌شناسی	۰/۴۲**	۱			
۳	قدرت‌طلبی	۰/۳۷**	۰/۵۲**	۱		
۴	طلاق عاطفی	۰/۲۱**	۰/۳۰**	۰/۵۸**	۱	
۵	خیانت اینترنتی	۰/۱۲*	۰/۵۲**	۰/۴۵**	۰/۳۱**	۱

* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

با توجه به نتایج جدول ۲، بین استقلال‌خواهی ۰/۱۳، وظیفه‌شناسی ۰/۵۲-، قدرت‌طلبی ۰/۴۵، طلاق عاطفی ۰/۳۱ با خیانت اینترنتی رابطه معنی‌دار وجود دارد. به‌منظور پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه آیا مدل تبیین خیانت اینترنتی با قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی، وظیفه‌شناسی و نقش میانجی طلاق عاطفی با داده‌های تجربی برازش دارد؟ از روش از روش بیشینه احتمال در تحلیل مسیر و نرم‌افزار ایموس نسخه ۲۶ استفاده شده است. در جدول ۳ مهم‌ترین شاخص‌های برازش گزارش شده‌اند.

مقیاس درجه‌بندی ۵ رتبه‌ای وجود دارد که دارای ارزش صفر تا چهار است. برای برخی از جمله‌ها این نمره‌گذاری از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم به ترتیب صفر تا چهار تعلق می‌گیرد و برعکس. در خصوص اعتبار نتایج چندین مطالعه حاکی از آنست که زیرمقیاس‌های نئو همسانی درونی خوبی دارد. به عنوان مثال Costa و McCrae، ضریب آلفای کرونباخ بین ۶۸ درصد تا ۸۶ درصد گزارش کردند. این پرسشنامه در ایران توسط گروسی هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ درصد برای عوامل C، A، O، E، N بدست آمده است. در زمینه روایی همزمان گزارش‌هایی نیز در ارتباط با روایی عوامل نئو ارائه شده است. Costa و McCrae اظهار می‌کردند که ابزار کوتاه شده نئو با فرم کامل آن مطابقت دقیقی دارد. بگونه‌ای که مقیاس فرم کوتاه همبستگی بالاتر از ۰/۶۸ با مقیاس‌های فرم کامل دارا می‌باشد (۲۶). در این فرم از ۱۲ سؤال وظیفه‌شناسی استفاده شد.

پرسشنامه فردگرایی/جمع‌گرایی هیویی (Huey Individualism/Collectivism Questionnaire)

برای اندازه‌گیری فردگرایی فرد از مقیاس فردگرایی - جمع‌گرایی استفاده شد (۲۸). این پرسشنامه شامل ۶۳ گویه است که از این میان تنها ۸ گویه از آن برای همسر نوشته شده است و لذا در این تحقیق نیز تنها از این ۸ ماده استفاده خواهد شد. پاسخ‌دهندگان به هر سؤال بر اساس یک مقیاس شش درجه‌ای از «به شدت مخالفم - غلط ۱» تا «به شدت موافقم - درست ۶» پاسخ خواهند داد. برای ارزیابی پایایی و روایی نسخه نهایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی اثباتی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ نشان داد که همگونی درونی در سراسر پرسشنامه مناسب است. تحلیل عاملی اثباتی نیز تأیید کرد که ساختار عاملی پرسشنامه‌ها مناسب است (۲۸).

پرسشنامه طلاق عاطفی (Emotional Divorce Questionnaire)

مقیاس طلاق عاطفی Gottman و Silver دارای ۲۴ سؤال می‌باشد (۲۹) و سؤالات به صورت بلی نمره یک و خیر نمره صفر جواب داده می‌شوند. نقطه برش این پرسشنامه عدد ۸ است که اگر نمره فردی بالاتر از آن باشد در معرض خطر طلاق عاطفی قرار دارد. نتایج همبستگی Pearson نشان داد که نمره کل مقیاس طلاق عاطفی با آزمون پروفایل سلامت رابطه ۰/۶۹ و مقیاس رضایت زناشویی انریچ ۰/۴۲- در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ همبستگی قابل توجهی دارد. همگنی درونی کل مقیاس ۰/۹۷ و همگنی درونی سه عامل زندگی اجباری ۰/۹۷، عدم رفتار رمانتیک نسبت به همسر ۰/۷۳ و خلأ عاطفی ۰/۹۳ بود (۳۰).

این مقاله با کد اخلاق IR.IAU.URMIA.REC.1402.165 در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه تأیید شد.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های حاصل از داده‌های جمعیت‌شناختی، میانگین و انحراف استاندارد سنی شرکت‌کنندگان $9/69 \pm 1/82$ بود. ۸۲ نفر ۳۲/۹ درصد کارشناسی، ۱۴۴ نفر ۵۷/۸ درصد کارشناسی ارشد و ۲۳ نفر ۹/۲

جدول ۳. شاخص‌های برازش در مدل

شاخص‌های برازش مدل	χ^2/df	GFI	AGFI	NFI	CFI	RMSEA
مقدار به دست آمده	۲/۳۵	۰/۹۲	۰/۸۸	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۰۷
حد قابل پذیرش	< ۰/۳	> ۰/۹	> ۰/۸	> ۰/۹	> ۰/۹	< ۰/۱

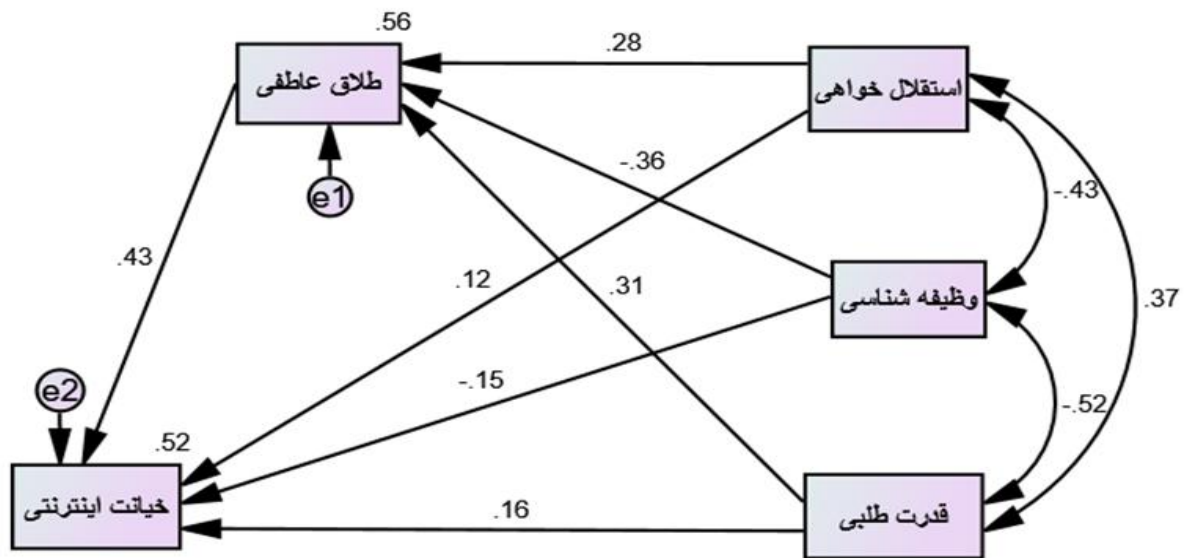
با توجه به مشخصه‌های نکویی برازش که در جدول ۳ گزارش شده، برازش مدل پیش بینی خیانت اینترنتی در سطح نسبتاً خوبی می‌باشد و مدل مفهومی ارائه شده از منظر شاخص‌های برازش مدل، چارچوب مناسبی را جهت بررسی خیانت اینترنتی ارائه می‌دهد. شکل ۱ مدل آزمون شده پژوهش را نشان می‌دهد.

همانطور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی، وظیفه‌شناسی و طلاق عاطفی در مجموع ۵۲ درصد از واریانس خیانت

اینترنتی را پیش‌بینی می‌کنند. قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی، وظیفه‌شناسی ۵۶ درصد از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

با توجه به جدول ۴، اثر مستقیم استقلال‌خواهی ۰/۱۲، قدرت‌طلبی ۰/۱۶ و طلاق عاطفی ۰/۴۳ بر خیانت اینترنتی مثبت و معنی‌دار می‌باشد $P < ۰/۰۵$ ؛ اما اثر مستقیم وظیفه‌شناسی ۰/۱۵-، بر این متغیر منفی و معنی‌دار می‌باشد $P < ۰/۰۵$. جهت بررسی اثر متغیر میانجی طلاق عاطفی در این مدل، از آزمون بوت استروپ در برنامه ماکرو استفاده شد.

با توجه به نتایج جدول ۵، اثر غیر مستقیم استقلال‌خواهی ۰/۱۲، وظیفه‌شناسی ۰/۱۶- و قدرت‌طلبی ۰/۱۳ از طریق طلاق عاطفی بر خیانت اینترنتی معنی‌دار است $P < ۰/۰۵$. بنابراین متغیر طلاق عاطفی، نقش واسطه‌ای در ارتباط استقلال‌خواهی، وظیفه‌شناسی و قدرت‌طلبی با خیانت اینترنتی را دارد.



شکل ۱. مدل آزمون شده پژوهش

جدول ۴. اثرات مستقیم مدل آزمون شده پژوهش

مسیرهای مستقیم	اثر مستقیم	برآورد پارامتر	t	معنی‌داری
استقلال‌خواهی $\rightarrow$ خیانت اینترنتی	۰/۱۲	۰/۷۱	۳/۴۳	۰/۰۰۱
وظیفه‌شناسی $\rightarrow$ خیانت اینترنتی	-۰/۱۵	-۱/۹۵	-۳/۵۲	۰/۰۰۱
قدرت‌طلبی $\rightarrow$ خیانت اینترنتی	۰/۱۶	۱/۲۸	۳/۶۰	۰/۰۰۱
طلاق عاطفی $\rightarrow$ خیانت اینترنتی	۰/۴۳	۰/۵۵	۴/۶۶	۰/۰۰۱

جدول ۵. نتایج مربوط به ضرایب اثرات غیرمستقیم متغیرها با میانجیگری طلاق عاطفی

مسیر غیرمستقیم	ضریب مسیر	معنی‌داری	حد پایین	سطح اطمینان ۰/۹۵	حد بالا
قدرت‌طلبی $\rightarrow$ طلاق عاطفی $\rightarrow$ خیانت اینترنتی	۰/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۱۷	۰/۰۶	
وظیفه‌شناسی $\rightarrow$ طلاق عاطفی $\rightarrow$ خیانت اینترنتی	-۰/۱۶	۰/۰۰۱	-۰/۲۳	-۰/۰۵	
قدرت‌طلبی $\rightarrow$ طلاق عاطفی $\rightarrow$ خیانت اینترنتی	۰/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۲۰	۰/۰۴	

بحث

در سال‌های اخیر پیشرفت‌های زیادی در تبیین و سبب‌شناسی خیانت‌های اینترنتی و درک عوامل شکل‌گیری و تداوم بخش دخیل در این پدیده رخ داده است و برای تبیین و سبب‌شناسی این موضوع، چارچوب‌های نظری متعددی به وجود آمده است که به صورت مستقیم بین متغیرهای پژوهش بررسی شده‌اند، اما پژوهش‌های اندکی درباره الگوی تعاملی پیچیده مشاهده می‌شود. در پژوهش حاضر، بررسی روابط ساختاری بین متغیرهای پژوهش حاکی از برازندگی خوب مدل فرضی است. ساختار مدل فرضی حاکی از آن بود که در آن طلاق عاطفی در رابطه بین خیانت اینترنتی با قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی و وظیفه‌شناسی، نقش واسطه‌ای دارد.

همچنین، نتایج نشان داد رابطه معنی‌داری بین خیانت اینترنتی با قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی و وظیفه‌شناسی در زنان شاغل متأهل وجود دارد. نتایج این پژوهش از جهاتی با نتایج پژوهش‌های (۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۰-۲۱ و ۲۷-۲۸) همسو بود. برای مثال پژوهشگران (۱۶) به این نتیجه رسیدند، قدرت‌طلبی، تأثیر معنی‌داری بر خیانت‌های زناشویی دارد. همچنین پژوهش دیگری نیز نشان داد که استقلال‌خواهی بیشتر با احتمال خیانت زناشویی رابطه مثبتی و معنی‌داری دارد (۲۰). افزون بر این، پژوهش دیگری نشان داد که هرچه وظیفه‌شناسی شخص بیشتر باشد احتمال خیانت‌های زناشویی در او کمتر خواهد بود (۱۲). نتایج نیز حاکی از آن بود که بین سطح وظیفه‌شناسی و رابطه فرازناشویی در زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد (۲۶). پژوهش دیگر نیز گزارش کرد که وظیفه‌شناسی پایین یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت زناشویی است (۲۵). پژوهشگران دیگر نیز به این نتیجه رسیدند رفتارهای کنترل‌گرایانه، قدرت‌طلبی و استقلال‌خواهی می‌تواند طلاق عاطفی را در زنان تحصیل کرده پیش‌بینی کند (۱۸).

در تبیین اثر مستقیم مثبت و معنادار قدرت‌طلبی بر خیانت اینترنتی زنان متأهل شاغل می‌توان گفت ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی رابطه معنی‌داری دارد، زمانی که قدرت و سلطه‌جویی و کنترل کردن رفتار در زوجین بالا می‌رود، منجر به افزایش تعارضات زناشویی می‌شود (۱۹). در واقع زنان قدرت‌طلب به دنبال سلطه‌جویی، خودکامی و تسلیم بی‌چون و چرا همسر در امور زندگی مشترک هستند و به طور آگاهانه یا نیمه‌آگاه، حیل‌های سلطه‌جویی را از آغاز تا پایان زندگی مشترک دنبال می‌کنند و در این فرایند، خود و همسر خود را به سطح اشیا تنزل داده تا بتوانند بر آنها کنترل داشته باشند، بنابراین این مسائل باعث ایجاد مشکلات زناشویی شده (۱۸) و احتمالاً به سمت خیانت‌های زناشویی از نوع اینترنتی پیش می‌رود. بنابراین هر چقدر زن قدرت طلب باشد، احتمال بالا رفتن ورود به خیانت‌های زناشویی بیشتر می‌شود.

در تبیین اثر مستقیم مثبت و معنادار استقلال‌خواهی بر خیانت اینترنتی زنان متأهل شاغل می‌توان گفت استقلال‌خواهی هنگامی که از جهت جدایی از دیگران و نبود احساس تعهد متقابل به آن نگرسته می‌شود یعنی به معنای سعی در تحقق منافع فردی از طریق بی‌توجهی به منافع جمعی، به عنوان یک شاخص منفی مورد توجه قرار می‌گیرد (۲۰). بنابراین زنانی که استقلال‌خواه هستند و احساس تعهد به زوج خود را ندارند، و همواره در جهت تحقق منافع شخصی خود بوده و توجهی به منافع زندگی مشترک نداشته باشند، احترام و محبت بین زوجین کاهش

پیدا خواهد کرد و همسر وی نیز در جهت آزار و اذیت وی برخواید آمد و حمایتی از او در زندگی مشترک نخواهد داشت، بنابراین این عوامل منجر به بروز بی‌اعتمادی، غمگینی، ناامیدی شده (۱۸) و در نهایت برای تجربه هیجان‌طلبی منجر به شکل‌گیری خیانت‌های زناشویی می‌شود.

در تبیین تأثیر منفی وظیفه‌شناسی بر خیانت اینترنتی زنان متأهل شاغل می‌توان گفت مؤلفه با وجدان بودن گرایش به انضباط، تعهد، مسئولیت‌پذیری و کارآمدی تعریف می‌شود. افراد با وجدان با ویژگی‌هایی مانند نظم و ترتیب، دقت، وظیفه‌شناسی و تلاش برای موفقیت و خویشتن‌داری شناخته می‌شوند (۱۲). عامل وظیفه‌شناسی به عنوان باثبات‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده خیانت معرفی شده است (۲۴). افرادی که در مقیاس وظیفه‌شناسی نمره کمتری را به دست می‌آورند، به احتمال بیشتری مرتکب خیانت می‌شوند (۲۵). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است زنی که وظیفه‌شناس و وجدان‌گراست، احتمال بیشتری وجود دارد که علی‌رغم تعارضات در رابطه بماند در برابر وسوسه‌های دنیای مجازی محیط مقاومت کند، در نتیجه این افراد به احتمال کمتری خیانت می‌کنند (۲۰).

هدف دیگر پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای طلاق عاطفی در رابطه بین خیانت اینترنتی با قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی و وظیفه‌شناسی در زنان شاغل بود. همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، یافته‌ها نقش واسطه‌ای این سازه را مورد تأیید قرار دادند. گرچه پژوهشی کاملاً همسو با تحقیق حاضر یافت نشد، ولی می‌توان گفت یافته به دست آمده با نتایج حاصل از پژوهش‌های (۲، ۱۸، ۱۹) از جهاتی همسو می‌باشد.

در تبیین نتیجه به‌دست آمده می‌توان گفت زنانی شاغلی که زیاد از اینترنت استفاده می‌کنند اعتماد به نفس و خودپنداره ضعیف‌تری نسبت به گروه دیگر دارند و خودپنداره آن‌ها از خودشان منفی‌تر است. اعتیاد به اینترنت منجر به بروز مشکلاتی در زندگی زناشویی می‌شود. به این معنا که فرد با جایگزینی شبکه‌های مجازی به جای شبکه‌های ارتباطی خانواده و زوجین، آن را به چالش کشیده و تهدید می‌کند (۷). پژوهشی در این ارتباط نشان داد که شاغل بودن در زنان فرصت‌های بیشتری برای ورود به روابط فرازناشویی در آنان ایجاد می‌کند (۶). در واقع تنوع‌طلبی زیاد، سهل‌الوصول و پاداش‌دهنده بودن شبکه‌های مجازی اینترنتی این موقعیت را برای فرد ایجاد می‌کند تا هر زمان که نیاز به روابط فرازناشویی داشت، آن را به صورت آبی و مجازی تجربه نماید. در واقع شبکه‌های مجازی نوعی جایگزین برای روابط فرازناشویی حقیقی خواهد بود. چنانچه فرد استفاده‌کننده از شبکه‌های مجازی اینترنتی وظیفه‌شناسی پایینی داشته باشد شدت اعتیاد وی بیشتر و میزان آسیب وارد شده به روابط زناشویی نیز بیشتر خواهد بود (۱۴). در واقع عامل وظیفه‌شناسی بالا در این رابطه می‌تواند به‌عنوان یک ضربه‌گیر عمل کرده و میزان آسیب وارد را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو استفاده اعتیادگونه عاملی برای تضعیف اراده فرد برای مقابله با وسوسه‌های فضای مجازی خواهد بود و زنان معتاد به شبکه‌های مجازی اینترنتی پس از مدتی خود را در برابر نقش تقویتی این شبکه‌ها ناتوان می‌بینند. پس عامل وظیفه‌شناسی پایین بر استفاده از شبکه‌های مجازی اینترنتی به تضعیف بیشتر روابط بین زوج‌ها منجر می‌شود. با از دست رفتن روابط عاطفی بین زوج‌ها نوعی جدایی خاموش در زندگی آنها ایجاد شده و با توجه به شدت سردی در روابط و همچنین عدم تبادل عواطف و احساسات از زندگی زناشویی، احساس عدم رضایت و ناامیدی نیز افزایش خواهد و در طول

بررسی تغییرات در طی زمان استفاده شود. همچنین استفاده از مصاحبه برای کاهش سوگیری پرسشنامه‌ها می‌تواند راهکار مناسبی باشد. همچنین با توجه به تفاوت‌های جنسیتی پیشنهاد می‌شود این پژوهش در زن و مرد به تفکیک انجام و نتایج آنها باهم مقایسه شود.

با توجه به نتایج به دست آمده، وجود نشست‌های تخصصی برای زنان شاغل و بسط مطالب در مورد متغیرهای مورد بحث و آشنا کردن میزان تأثیر منفی آنها بر روی زندگی مشترک امری ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به نتایج این پژوهش و مؤثر بودن ابعاد کنترل اقتصادی و کنترل تهدیدآمیز بر روی طلاق عاطفی، به مسئولین مربوطه در ادارات و سازمان‌ها و رسانه‌ها و صدا و سیما پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی مؤثر در جهت آموزش دادن به زنان شاغل در مورد نحوه برخورد و انتقال مسائل کاری به زندگی در نظر بگیرند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تأثیر عوامل مختلف بر خیانت اینترنتی در زنان شاغل متأهل بررسی شد. نتایج نشان داد که قدرت‌طلبی، استقلال‌خواهی و وظیفه‌شناسی به‌طور معناداری بر وقوع خیانت اینترنتی تأثیر دارند و طلاق عاطفی به‌عنوان یک واسطه در این رابطه عمل می‌کند. این یافته‌ها اهمیت توجه به ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی در روابط زناشویی را نمایان می‌سازد. از دستاوردهای این پژوهش می‌توان در دو سطح نظری و عملی بهره‌برداری کرد. در سطح نظری، نتایج این تحقیق می‌تواند به تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین کمک کند و درک بهتری از عوامل مؤثر بر خیانت اینترنتی ارائه دهد. در سطح عملی، یافته‌ها می‌تواند به تدوین برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای زنان شاغل و زوجین کمک کنند تا با آگاهی از این عوامل، به بهبود روابط زناشویی و کاهش خطر خیانت بپردازند.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه در سال ۱۴۰۳ است که با کد ۱۶۲۷۹۸۳۵۷ به تصویب رسیده است. بدین‌وسیله از همه شرکت‌کنندگان در این پژوهش قدردانی و سپاس فراوان داریم.

سهم نویسندگان

نویسنده اول نگارش اولیه مقاله و نویسنده دوم تنظیم و ویرایش مقاله و ایده پژوهشی و تجزیه و تحلیل داده‌ها را بر عهده داشتند.

تضاد منافع

نویسندگان مقاله هیچ گونه تعارض منافع در این مطالعه نداشتند.

زمان منجر به تشدید احتمال وقوع طلاق عاطفی خواهد شد. از طرفی بالا بودن میزان قدرت‌طلبی و استقلال‌طلبی در زنان شاغل با انواع خیانت‌های زناشویی رابطه معنی‌داری دارد (۱۸، ۲۰، ۲۵).

همچنین شاغل بودن، باعث قدرت‌طلبی و استقلال‌طلبی زنان می‌شود (۶). به طوری که هر چه کنترل اقتصادی از طرف زنان شاغل بالا باشد، مقدار طلاق عاطفی نیز بیشتر خواهد بود. زیرا اگر زنان بخواهند همسر خود را از طریق بحث اقتصادی کنترل کنند، بر او فشار بیاورد، این مسأله برای همسر غیرقابل قبول خواهد بود، زیرا به طور سنتی مردان مدیریت اقتصادی خانواده را بر عهده دارند. همچنین نتایج نشان داد که اگر کنترل کردن همسر از طریق تهدیدآمیز و ترساندن بالا باشد، طلاق عاطفی نیز بیشتر خواهد بود (۱۱). این مسأله که زنان بخواهند همسر خود را تهدید کرده و آنها را از ادامه زندگی بترسانند و به طور مثال همسر خود را در تنگنا قرار دهند، اصلاً برای یک مرد ایرانی قابل قبول نخواهد بود.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمد هر چقدر زنان در بحث کنترل دچار هیجان شوند، این مسأله بر روی زندگی مشترک آنها تأثیر منفی داشته و باعث بیشتر شدن طلاق عاطفی بین زوجین خواهد شد و در نهایت، کنترل کردن همسر از طریق مزوری کردن آن توسط زن شاغل نیز باعث افزایش طلاق عاطفی خواهد شد (۱۸). به عبارت دیگر مزوری کردن، ذاتاً مورد قبول هیچ کسی نیست و این مسأله بیشتر زنان شاغل را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا زنان شاغل که در محیط کاری مشغول هستند، به بودن در محیط‌های شلوغ عادت می‌کنند و مزوری کردن به هیچ وجه قابل قبول آنها نخواهد بود.

بنابراین یک زن شاغل، می‌تواند دنبال استقلال‌طلبی و قدرت‌طلبی و انتقال این قدرت‌طلبی به واسطه درآمد حاصله از شغل و همچنین اطلاعات کسب شده در دانشگاه باشد، همچنین اکثر زنان شاغل دنبال استقلال مالی هستند که این مسأله نیز باعث ایجاد مشکلات زناشویی می‌شود و در بعضی موارد نیز زنان شاغل به دنبال کنترل کردن همسر خود در مسائل مختلف مالی، زندگی هستند که این موارد نیز باعث ایجاد ترس و دلهره در همسر شده و به مرور زمان باعث دور شدن همسر و کم شدن عاطفه و محبت بین زوجین خواهد شد و نهایتاً طلاق عاطفی بین زوجین نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

نخستین محدودیت پژوهش، مقطعی بودن آن می‌باشد که نمی‌توان نتایج آن را همانند نتایج پژوهش‌های طولی دانست. محدودیت دیگر، متفاوت بودن رفتارهای زنان در محیط منزل و محیط شغلی و استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی برای جمع‌آوری داده‌ها بود که در چنین ابزارهایی معمولاً سوگیری وجود دارد. به‌عنوان آخرین محدودیت می‌توان به عدم توانایی کنترل برخی متغیرهای مزاحم مثل انگیزه و تمایل بالای برخی شرکت‌کنندگان و بالعکس پایین بودن آنها در برخی دیگر اشاره کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از پژوهش‌های طولی برای

References

1. Azimi B, Farahbakhsh K, Salimi Bajestani H, Asgari M. Justifying behaviours of internet infidelity: Coping strategies with marital conflicts: A phenomenological study [in Persian]. RJMS 2021; 28 (2):104-116.
2. Baboo N, Mohammadi N. Investigating the effect of internet addiction on the tendency to marital infidelity in couples in Shiraz. Propósitos y Representaciones. 2021;9(3):85. doi:10.20511/pyr2021.v9nSPE2.1087

3. Samadi S, Abhar Zanjani F. Comparison of self-esteem, work-family conflict, and tendency towards extramarital relationships in working women with high and low job ranks [in Persian]. *Recent Advances in Psychology, Educational Sciences and Education*. 2021; 42(4):153-69.
4. Vossler A, Moller NP. Internet affairs: Partners' perceptions and experiences of internet infidelity. *J Sex Marital Ther*. 2020;46(1):67-77. **pmid:** 31876266 **doi:**10.1080/0092623X.2019.1654577
5. Liu Y, Zheng L. Relationships between the Big Five, narcissistic personality traits, and online sexual activities. *Personality and individual differences*. 2020;152:109593. **doi:**10.1016/j.paid.2019.109593
6. Farhad A, Farhadi H. Predicting the divorce tendency through internet addiction, internet infidelity and computer game addiction in people seeking divorce [in Persian]. *Journal of Psychology New Ideas*. 2021;8(12):1-4.
7. McDaniel BT, Pater J, Cornet V, Mughal S, Reining L, Schaller A, et al. Parents' desire to change phone use: Associations with objective smartphone use and feelings about problematic use and distraction. *Comput Human Behav*. 2023; 148:107907. **pmid:** 37842187 **doi:**10.1016/j.chb.2023.107907
8. Rezapour M, Bagherzadeh ledari R, Ghorkhanechi R, Ahmadi S, Naderisorki M. Investigating the relationship between personality traits and iron overload in transfusion-dependent thalassemia patients [in Persian]. *Armaghan-e-Danesh*. 2024;29(3):386-402. **doi:**10.61186/armaghanj.29.3.386
9. Mahambrey M. Self-reported Big Five personality traits of individuals who have experienced partner infidelity. *Personal Relationships*. 2020;27:274-302. **doi:**10.1111/pere.12315
10. Altgelt EE, McNulty JK, Meltzer AL. Are Certain People More Prone Toward Infidelity? Own and Partner Personality and Individual Difference Predictors of Infidelity. *The Oxford Handbook of Infidelity*; 2022. P. 3-27. **doi:**10.1093/oxfordhb/9780197502891.013.1
11. Davoodi Z, Fatehizadeh M, Ahmadi SA, Jazayeri R. Family security in the shadow of adjustment the patient's power of couples [in Persian]. *QJCR*. 2019;18(70):130-60. **doi:**10.29252/jcr.18.70.130
12. Babayi S, Zeinali A. Prediction of emotional divorce based on controlling behaviors, power seeking, and independence in educated women [in Persian]. *J Adv Psychol Educ*. 2021;4(41).
13. Ding X, Xie C, Yu F. Beyond dissonance: the transformative power of thought analysis in philosophical practice. *Humanit Soc Sci Commun*. 2024;11(1):1-4. **doi:**10.1057/s41599-024-04143-6
14. Ogwuche CH, Tyav-Tersoo KI, Caleb ON, Orafa DT. Marital Infidelity among Married Couples: Roles of Emotional Intelligence and Narcissistic Personality Traits in Makurdi, Benue State. *J Innov Psychol Educ Didact*. 2024;28(1):27-36. **doi:**10.29081/JIPED.2024.28.1.03
15. Karimi S, Yusefi R, Soleymani M. The role of personality traits in Prediction components marital infidelity [in Persian]. *Clinical Psychology and Personality*. 2020;15(2):97-109. **doi:**10.22070/cpap.2020.2820
16. Mirhashemi M, Akbarimoghadam Z. The Prediction of infidelity Upon Personality Characteristics, Marital Satisfaction and Attachment Styles. *Journal of Woman and Family Studies*. 2020;8(3):75-97. **doi:**10.22051/jwfs.2020.20783.1780
17. Bahadori M, Malekian N, Hashemzahi N. The relationship between cyberspace and emotional divorce of spouses [in Persian]. *Sociological Research*. 2021;52(15):201-18.
18. Ahmadi E, Jahangir P, Niknam M. Predicting Emotional Divorce Based on Differentiation with the Mediation of Communication Patterns. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies (JAYPS)*. 2024;5(2):105-13. **doi:**10.61838/kman.jayps.5.2.12
19. Damo DD, Cenci CM. Emotional divorce: similarities and differences according to the position occupied. *Trends in Psychology*. 2021;29(3):505-18. **doi:**10.1007/s43076-021-00088-w
20. Latifian M, Arshi M, Alipour F, Ghaedamini Harouni Gh, Shariful Sheikh Islam M. Investigating the relationship between internet addiction, domestic violence, and emotional divorce among married women in Tehran. *BMC Psychiatry*. 2024;707. **doi:**10.1186/s12888-024-06139-7
21. Jahandar Lashki S, Hosseini SS, Kakabarayi K. Developing a structural model to predict the attitude towards infidelity based on media consumption and mediators of inefficient attitudes, marital conflicts, and sexual satisfaction [in Persian]. *International Journal of Psychology (IPA)*. 2020; 14(2):158-84. **doi:**10.22034/ijpb.2021.214823.1144
22. Kline RB. *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: Guilford Publications; 2023.
23. Alge SBA. *Lithuanians' attitudes toward internet infidelity and its correlates [Thesis]*. Denton, Texas: Texas Woman's University; 2009.p. 16-79.
24. Nooripour R, Abdi MR, Bakhshani S, Alikhani M, Hosseinian S, Ebrahim TP. Exploring validity and reliability of internet infidelity questionnaire among internet users in Iran. *Int J High Risk Behav Addict*. 2017;6(1): e34928. **doi:**10.5812/ijhrba.34928
25. Christie R, Geis F. *Studies in the psychology of power*. In: Christy R, Geis F (editors). *Power and Personality*. New York: Academic Press; 1970. p. 1-10.
26. Costa PT, McCrae RR. *NEO Personality Inventory-3 (NEO-PI-3) manual*. 3rd ed. Odessa (FL): Psychological Assessment Resources; 2008.
27. Khormaifi F, Azami F. Psychometric Properties of the Short Form of Goldberg's 50- Item Personality Scale [in Persian]. *Psychological Models and Methods*. 2014;4(16):29-39.
28. Hui CH. Measurement of individualism-collectivism. *Journal of research in personality*. 1988; 22(1):17-36. **doi:**10.1016/0092-6566(88)90022-0
29. Gottman JM, Silver N. *The Seven Principles for Making Marriage Work*. New York: Harmony Books; 1999.
30. Mirzadeh Koohshahi F, Rezaei A, Najafi M. Construction and Validation of Emotional Divorce Scale in Iranian Population. *Journal of Practice in Clinical Psychology*. 2019;7(1):53-62. **doi:**10.32598/jpcp.7.1.53